



Res. article

The Borrowing Hierarchy of Azerbaijani from Persian

Abdolhosein Heidari[✉]

1- Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Farhangian University.

Received: 2019/21/08

Accepted: 2019/26/10

Abstract

The present research is an attempt to study the borrowing hierarchy of Azerbaijani from Persian. The data collection was carried out using both library sources and field work. The majority of the data is from the speech interaction of Azerbaijani speakers living in the central part of Ardabil. The analysis of the data indicates that Azerbaijani speakers, in addition to using their native compound sentence patterns use Persian compound sentence patterns in their speech by borrowing Persian grammatical morphemes. Although a lot of Persian genitive and possessive phrases are used as borrowed phrases in Azerbaijani, these structures have not entered Azerbaijani as borrowed patterns. Persian prepositional phrases and Persian comparative adjective marker also appear as code-switched elements in bilinguals' speech but they cannot be assumed as borrowed elements considering the borrowing code-switching distinguishing criterion. Evaluating research findings according to Stolz and Stolz (1996) suggested hierarchy of contact-induced changes and convergence progression shows that Persian subordinate compound sentence patterns have become more established in Azerbaijani system but the pattern borrowing has not occurred in phrase and word levels of Azerbaijani system yet.

Keywords: borrowing hierarchy, Persian, Azerbaijani, language contact, code-switching.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Citation: Heidari, A. (2020). The Borrowing Hierarchy of Azerbaijani from Persian. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (28), 39-59. (In Persian)





سلسله‌مراتب قرض‌گیری زبان ترکی آذربایجانی از زبان فارسی

عبدالحسین حیدری[✉]

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات، دانشگاه فرهنگیان.

دریافت: ۱۳۹۸/۵/۳۰

پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۴

چکیده

پژوهش حاضر سلسله‌مراتب قرض‌گیری زبان ترکی آذربایجانی از زبان فارسی را مطالعه کرده است. داده‌ها به‌شیوه کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. بخش عمده داده‌ها را تعاملات زبانی گویشوران ترکی آذربایجانی مناطق مرکزی استان اردبیل تشکیل می‌دهد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که گویشوران ترکی آذربایجانی افزون بر الگوهای جملات مرکب زبان خود، با قرض‌گیری تکواژهای دستوری از الگوهای جملات مرکب زبان فارسی نیز در پاره‌گفتارهای خود استفاده می‌کنند؛ همچنین گروه‌های اضافه و ملکی فارسی فراوانی به‌صورت ترکیب‌های قرضی در ترکی آذربایجانی به‌کار می‌روند، اما هنوز ساخت اضافه و ملکی فارسی به‌صورت یک وام‌الگو به ترکی آذربایجانی وارد نشده است. گروه‌های حرف اضافه و پسوند - تر زبان فارسی نیز به‌مثابه عناصر رمزگردانی شده در گفتار دوزبانه‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند و با توجه به معیار تمایز قرض‌گیری از رمزگردانی، نمی‌توان آن‌ها را عناصر قرضی در نظر گرفت. ارزیابی نتایج پژوهش در چارچوب سلسله‌مراتب تغییرات حاصل از تماس زبانی و پیشرفت همگرایی استولز و استولز (۱۹۹۶) نشان می‌دهد که الگوی پیوند بندهای جملات مرکب ناهم‌پایه زبان فارسی در ترکی آذربایجانی تثبیت شده است، اما وام‌گیری الگویی هنوز در سطوح دیگر ساخت زبان ترکی آذربایجانی، از جمله ساخت گروه‌ها و واژه‌ها اتفاق نیافته است.

کلیدواژه‌ها: سلسله‌مراتب قرض‌گیری، فارسی، ترکی آذربایجانی، تماس زبانی، رمزگردانی.



۱- مقدمه

در جهان کنونی که دهکده ارتباطات نام گرفته است، تماس یا برخورد زبان‌ها پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌آید. تماس زبانی پیامدهای مختلفی دارد که می‌توان به پدیده‌هایی همچون قرض‌گیری، تداخل، رمزگردانی زبانی و... اشاره کرد. تبادل عناصر زبانی میان دو جامعه زبانی، طبیعی‌ترین و متداول‌ترین حالت برخورد آن‌ها است که با عنوان قرض‌گیری شناخته شده است. بیشتر زبان‌شناسان، قرض‌گیری زبانی را روندی دانسته‌اند که طی آن عناصری از یک زبان یا گویش به زبان‌ها یا گویش‌های دیگر وارد می‌شود (مدرسی، ۱۳۸۷). به‌طور معمول واژگان بی‌ثبات‌ترین بخش هر زبان هستند و آزادانه می‌توانند از زبانی به زبان دیگر انتقال یابند. ورود واژه‌ها یا اصطلاحات زبانی به زبان دیگر، وام‌گیری واژگانی نامیده شده است (دورکین^۱، ۲۰۱۴: ۶۴). به‌گفته کریستال^۲ (۲۰۱۰: ۴۸) براساس فرهنگ آکسفورد، زبان انگلیسی در طول هزار سال تحول، از (۳۵۰) زبان دیگر وام گرفته است.

قرض‌گیری از هر دو منظر در زمانی و هم‌زمانی مطالعه شده است. تمرکز مطالعات در زمانی روی تغییرات تاریخی و طبقه‌بندی خویشاوندی زبان‌ها بوده است. مطالعات حوزه هم‌زمانی نیز، به فهرست‌بندی وام‌واژه‌ها و بررسی جنبه‌های مختلف آوایی، ساخت‌واژی و نحوی آن‌ها توجه داشته است. از دیدگاه توماسون و کافمن^۳ (۱۹۸۸) واژه‌ها اولین عناصری هستند که در برخورد و اصطکاک زبان‌ها به زبان قرض‌گیرنده، انتقال می‌یابند. چنان‌چه فشار فرهنگی از سوی سخنگویان زبان مبدأ طولانی‌مدت و شدید باشد، به دوزبانگی گسترده در جامعه قرض‌گیرنده منجر می‌شود و به‌دنبال آن ممکن است قرض‌گیری دستوری و واجی اتفاق بیفتد. هرچه نظام زبانی ساخت درونی قوی‌تری داشته باشد، باید برخورد زبانی به‌همان میزان شدیدتر باشد تا به قرض‌گیری ساختی در آن زبان منجر شود (ترفرزدالر^۴، ۲۰۱۰: ۳۱).

به‌باور میرزاسکاتن^۵ (۲۰۰۲: ۲۴۰) اسم‌ها به‌خاطر دریافت‌کنندگی نقش‌های تتا، ساخت جمله زبان وام‌گیرنده/ پذیرا را به‌هم نمی‌زنند و در نتیجه، راحت‌تر به زبان یا زبان‌های دیگر انتقال داده می‌شوند. درمقابل، قرض‌گیری فعل‌ها و حروف اضافه محدود است؛ زیرا فعل‌ها و حروف اضافه بر مقوله‌های دیگر جمله حاکم هستند و به آن‌ها حالت^۶ می‌دهند. قرض‌گیری نامتوازن عناصر مختلف زبانی موجب

1. Ph. Durkin
2. D. Crystal
3. S. Thomason & T. Kaufman
4. J. Treffers-Daller
5. C. Myers-Scotton
6. case

شد در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد، پژوهش‌های مرتبط با قرض‌گیری به‌سمت و سوی کشف محدودیت‌های فرایند قرض‌گیری سوق یابد. پژوهش‌گران در طول این سال‌ها کوشیدند تا به محدودیت‌های جهان‌شمول در قرض‌گیری زبانی دست یابند و طبقه‌بندی یا سلسله‌مراتبی از قرض‌گیری واژگانی یا ساختی ارائه دهند. مبانی نظری سلسله‌مراتب قرض‌گیری در بخش بعدی پژوهش حاضر، بررسی خواهد شد.

نزدیکی جغرافیایی و اشتراکات فرهنگی از عوامل بسیار مهمی در تماس یا برخورد زبان‌ها به‌شمار می‌آیند. بی‌شک این دو عامل، در تأثیرپذیری زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی از یکدیگر نقش اساسی دارند. به دلیل جایگاه اجتماعی، فرهنگی و ادبی زبان فارسی، عناصر زبانی فراوانی از این زبان به زبان‌ها و گویش‌های دیگر کشورمان انتقال یافته است. زبان ترکی آذربایجانی نیز از این قاعده مستثنا نیست و سهم و وام‌گیری این زبان از زبان فارسی به‌ویژه در حوزه واژگان، بسیار گسترده است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۴۲) بر این باور است که زبان فارسی به‌مثابه لایه زبرین^۱ همچنان ویژگی‌های خود را به زبان‌های دیگر ایران به‌منزله لایه زیرین^۲ منتقل می‌کند و قرض‌گیری به‌همگرایی ساختاری بیشتر این زبان‌ها با زبان فارسی خواهد انجامید.

پژوهش‌های متعددی در زمینه وام‌گیری ترکی آذربایجانی از زبان فارسی صورت پذیرفته است. یاری (۱۳۷۴) انواع واژه‌های قرضی از زبان فارسی در ترکی آذربایجانی را مشخص کرده و تغییرات آوایی، ساخت‌وازی و معنایی آن‌ها را بررسی کرده است. یافته‌های نغزگوی کهن و عبدالملکی (۱۹۹۳) نشان‌دهنده آن است که به‌دلیل تفاوت‌های آوایی، معنایی و دستوری دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی، بهترین راه‌کارهای انطباق افعال قرضی برای زبان ترکی آذربایجانی، راه‌کارهای درج غیر مستقیم و وام‌گیری معنایی است. محمودی (۱۳۹۳) به کاربرد نشانه شرطی فارسی (اگر) در زبان ترکی آذربایجانی اشاره کرده است که به‌دنبال آن، ترتیب عناصر جمله نیز تغییر می‌یابد. لی^۳ (۱۹۹۶) معتقد است زمانی که بند موصولی کوتاه باشد (از چهار کلمه بیشتر نباشد)، گویشوران ترکی آذربایجانی بند موصولی پیش‌هسته‌ای زبان خود را انتخاب می‌کنند. چنان‌چه بند موصولی طولانی‌تر باشد، آن‌ها به کاربرد بند موصولی پس‌هسته‌ای از زبان فارسی روی می‌آورند.

مطالعه اختری (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که گویشوران ترکی آذربایجانی از نقش‌نماهای کلامی زبان

1. superstratum
2. substratum
3. S. N. Lee

فارسی در گفتار خود استفاده می‌کنند. به‌باور ایشان، دلایل استفاده از نقش‌نماهای کلامی فارسی به‌جای معادل ترکی آذربایجانی، مواردی چون چندنقشی بودن، ساده و برجسته بودن آن‌ها است. نتایج مطالعه حیدری (۱۳۹۷) بیان‌گر آن است که عمده حروف ربط زبان فارسی به‌صورت وام واژه در زبان ترکی آذربایجانی نقش‌آفرینی می‌کنند. قرض‌گیری حروف ربط فارسی موجب می‌شود که گویشوران ترکی آذربایجانی برای پیوند بندهای جملات مرکب ناهم‌پایه، از الگوهای نحوی زبان فارسی نیز استفاده کنند. در پژوهش‌های پیشین که به یافته‌ها و نتایج تعدادی از آن‌ها اشاره شد، از وام‌واژه‌های فارسی در ترکی آذربایجانی و تأثیر آن‌ها بر ساخت زبان ترکی آذربایجانی، تحلیل‌های مختلفی ارائه شده است. در صورتی که به محدودیت‌ها و طبقه‌بندی عناصر یا الگوهای قرضی در زبان ترکی آذربایجانی توجه چندانی نشده است. مدت و شدت قابل توجه تماس زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی موجب شده است که در جریان داد و ستدهای زبانی، تکواژهای دستوری فارسی (مانند حروف ربط) نیز به ترکی آذربایجانی وارد شود. وام‌گیری عناصر دستوری که نقش تعیین‌کننده‌ای در آرایش سازه‌های نحوی دارند، به وام‌گیری الگویی در زبان پذیرا منجر می‌شود. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا پیامدها و نتایج وام‌گیری عناصر دستوری فارسی در ترکی آذربایجانی مطالعه شود و در نهایت سلسله‌مراتبی از قرض‌گیری ساختی در زبان ترکی آذربایجانی ارائه شود.

۲- مبانی نظری سلسله‌مراتب قرض‌گیری

فهرست‌بندی وام‌واژه‌ها و بررسی نتایج قرض‌گیری، از مهم‌ترین اهداف بررسی‌های اولیه قرض‌گیری زبانی بود. هاگن^۱ (۱۹۵۰) از اولین پژوهش‌گران قرن بیستم بود که ترتیب طبیعی وام‌گیری واژگانی را به‌صورت زیر ترسیم کرد:

اسم < فعل < صفت < قید < حرف اضافه < صوت.

میوسکن^۲ (۱۹۸۱) با تحلیل عناصر قرضی زبان اسپانیایی در زبان چکواوا، سلسله‌مراتب قرض‌گیری زبانی را گسترش داد: اسم < صفت < فعل < حرف اضافه < حرف ربط هم‌پایه < کمی‌تما < حرف تعریف < ضمیر < واژه‌بست < حرف ربط وابسته.

در ادامه پژوهش‌های دیگری همچون پاپلاک^۳ و دیگران (۱۹۸۸) به نتایج مشابه دست یافتند و از نظر آن‌ها نیز، عناصر طبقه‌باز زبان (اسم، صفت و فعل) نسبت به عناصر طبقه‌بسته (حروف اضافه، حروف

ربط و ضمیرها) آسان‌تر فرض گرفته می‌شوند.

ماتراس^۱ (۲۰۰۹) معتقد است که وام‌گیری الگویی یا ساختی در مقایسه با وام‌گیری واژگانی بی‌ثبات‌تر است؛ بنابراین تعیین سلسله‌مراتب وام‌گیری ساختی مشکل‌تر به نظر می‌رسد. به‌هرحال پژوهش‌گران (توماسون و کافمن، ۱۹۸۸؛ سالمونز^۲، ۱۹۹۰؛ روماین^۳، ۱۹۹۵؛ استولز استولز^۴، ۱۹۹۶؛ آیکه‌ین‌والد^۵، ۲۰۰۶) و... طبقه‌بندی‌های مختلفی از وام‌گیری ساختی پیشنهاد داده‌اند. از نظر توماسون و کافمن (۱۹۹۸) وجود فرض‌گیری ساختاری در یک زبان، بیان‌گر آن است که فرض‌گیری واژگانی از پیش در همان زبان اتفاق افتاده است؛ بنابراین پایین‌ترین سطح فرض‌گیری در مدل سلسله‌مراتب فرض‌گیری توماسون و کافمن (۱۹۹۸) به واژگان اختصاص دارد، درحالی که فرض‌گیری ساختاری و نحوی، تنها در سطوح بالاتر رخ می‌دهد.

سالمونز (۱۹۹۰) مطالعات فرض‌گیری را در راستای سطوح کاربردشناختی و تحلیل کلام متمرکز کرد و به فرض‌گیری نقش‌نمایی (مانند البته، خوب و...) اشاره کرد که ساخت‌گفتمان را در زبان پذیرا تغییر می‌دهند. آیکه‌ین‌والد (۲۰۰۶) نشان داد که ساخت‌های نحوی مانند جمله، بند و حتی چیدمان واژه‌ها در ساخت‌های گروهی تحت فشارهای شدید و فزاینده زبان غالب، آسیب‌پذیر هستند. براساس دیدگاه استولز و استولز (۱۹۹۶) تغییرات حاصل از تماس زبانی در نظام زبان پذیرا و پیشرفت همگرایی آن با زبان غالب، از سطح کلام و نقش‌نمایی کلامی متن شروع می‌شود و سرانجام در سطح ساخت کلمات پایان می‌یابد: کلام < بند (پیوند بندها) < گروه < کلمه.

در مدل سلسله‌مراتب فرض‌گیری و پیشرفت همگرایی استولز و استولز (۱۹۹۶)، عناصر گفتمانی نقطه آغاز پدیده فرض‌گیری هستند. نقش‌نمایی کلامی (البته، خوب، اصلاً، ولی و...) که به پیوستگی و انسجام در گفتمان کمک می‌کنند، اولین عناصری هستند که به آسانی از زبانی به زبان دیگر راه می‌یابند. ساخت جملات مرکب هم‌پایه و ناهم‌پایه در فرایند همگرایی زبان پذیرا با زبان غالب، دومین سطحی است که مورد هدف قرار می‌گیرد. حروف ربط که به‌مثابه رابط بین بندهای جملات مرکب، نقش ایفا می‌کنند، تأثیر نحوی تعیین‌کننده‌ای بر دیگر عناصر درون این بندها ندارند؛ بنابراین راه‌یابی آن‌ها به پاره‌گفتارهای زبان وام‌گیرنده نسبت به سایر تکواژهای دستوری (حروف اضافه)، راحت‌تر انجام

1. Y. Matras
2. J. Salmons
3. S. Romaine
4. C. Stolz & T. Stolz
5. A. Y. Aikhenvald

می‌شود. چنانچه برخورد زبان‌ها شدت یابد و فشار فرهنگی زبان غالب با گذشت زمان زیادتر شود؛ فرایند همگرایی راه خود را برای بازآرایی سازه‌ها در سطح گروه‌ها هموارتر می‌کند و حتی ساخت درونی واژه‌ها را نیز دربر می‌گیرد.

سلسله‌مراتبی که رومین (۱۹۹۵) برای وام‌گیری ساختی پیشنهاد داده است، به‌طور دقیق در تقابل با همگرایی استولز و استولز (۱۹۹۶) قرار دارد: واژگان < ساخت‌واژه (وندهای اشتقاقی < وندهای تصریفی) < نحو. سیلوا-کوروالان^۱ (۱۹۹۵) در تأیید سلسله‌مراتب پیشنهادی رومین (۱۹۹۵)، به همگرایی ساختی از منظر اصل اقتصاد زبانی یا ساده‌سازی در زبان نگاه می‌کند. او معتقد است چنانچه ساده‌سازی از سطح ساخت‌واژه شروع می‌شود و در سطح نحو به‌پایان می‌رسد، در همگرایی ساختی نیز همین روند اتفاق می‌افتد. به‌رحال، ماتراس (۲۰۰۹) نیز شواهدی را از پدیده برخورد زبانی در نقاط مختلف جهان، ارائه می‌کند که با سلسله‌مراتب قرض‌گیری و پیشرفت همگرایی استولز و استولز (۱۹۹۶) مطابقت دارد.

به‌گفته ماتراس (۲۰۰۹: ۲۴۴) کمتر جایی را می‌توان سراغ داشت که الگو یا الگوهای ساخت‌واژی زبان غالب بر ساخت‌واژه زبان پذیرا تأثیر گذاشته باشد، در صورتی که آن دو زبان، الگو یا الگوهای مشترکی در پیوند بندهای جملات مرکب نداشته باشند. ماتراس (۲۰۰۹: ۲۴۵) تماس زبان ترکی بالکانی با زبان‌های اروپایی، زبان رومانی با زبان یونانی بیزانسی و زبان آرامی (در جنوب‌شرق ترکیه و شمال عراق) با زبان کرمانجی را نمونه‌های بارز برای سلسله‌مراتب قرض‌گیری پیشنهادی استولز و استولز (۱۹۹۶) توصیف کرده است. هرچند زبان ترکی بالکانی الگوی پیوند بندهای اصلی و وابسته جملات مرکب زبان‌های اروپایی را پذیرفته است؛ اما این زبان هنوز ساخت‌واژه پیوندی و الصاقی خود را حفظ کرده است. ترکی بالکانی هنوز جایگاه فعل پایانی و ویژگی پس‌اضافه‌ای را از دست نداده، اما ساخت اضافه و ملکی این زبان در برخورد با زبان‌های اروپایی به‌هم خورده است. راهبردهای پیوند بندها در جملات مرکب زبان‌های رومانی و آرامی از الگو یا الگوهای زبان‌های غالب پیروی می‌کند. تماس زبانی تغییراتی را در آرایش نحوی و ترتیب سازه‌های گروه‌های ملکی و اضافی دو زبان رومانی و آرامی به‌وجود آورده است، در صورتی که بر نظام ساخت‌واژی آن‌ها تأثیر نگذاشته است.

۳- روش پژوهش

نوشتار پیش رو از نوع توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها به‌شیوه کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده

است. به کتاب‌های دستور زبان ترکی آذربایجانی (احمدی گیوی، ۱۳۸۳؛ فرزانه، ۱۳۵۷؛ لی، ۱۹۹۶) و... و منابع فرض‌گیری ترکی آذربایجانی از فارسی (یاری، ۱۳۷۴؛ نبی‌فر، ۱۳۹۳؛ نغزگوی کهن و عبدالملکی، ۱۳۹۳) و... مراجعه شد. داده‌هایی همچون ساخت سببی مرکب، جمله‌های مرکب ناهم‌پایه و ترکیب واژه‌ها (گروه‌ها) از میان مطالب مختلف، استخراج و دسته‌بندی شد؛ افزون بر این، تعاملات زبانی سی نفر (مرد و زن) از گویشوران ترکی آذربایجانی مناطق مرکزی استان اردبیل (اردبیل، مشگین‌شهر و حومه)، از راه ضبط و یادداشت‌برداری جمع‌آوری شده است (حدود پانزده ساعت). ده نفر از گویشوران، تک‌زبان (ترکی آذربایجانی) بودند و بقیه گروه، غیر از زبان بومی، توانایی سخن گفتن به زبان فارسی را نیز داشتند (دوزبانه). خود دوزبانه‌ها دو گروه را شامل می‌شدند. گروه ده نفره تحصیل کرده یا دانشگاهی که به کارهای آموزشی، فرهنگی و اداری اشتغال داشتند و گروه دیگر که از سواد عمومی برخوردار بودند، شغل آزاد داشتند. فراوانی کاربرد داده‌های گردآوری‌شده به‌تفکیک در جدول‌های (۱) و (۲) (بخش نتیجه‌گیری) نمایش داده شده است. داده‌های طبقه‌بندی شده با توجه به تغییرات ساختی و در چارچوب سلسله‌مراتب فرض‌گیری و همگرایی زبانی تحلیل شدند.

۴- تغییرات ساختی ناشی از تأثیر زبان فارسی بر زبان ترکی آذربایجانی

تراکم بالای واژه‌های زبان فارسی در واژگان ذهنی گویشوران ترکی آذربایجانی می‌تواند بر ابعاد دیگر زبان آن‌ها نیز تأثیر بگذارد و به وام‌گیری یا تغییر در سایر حوزه‌های زبانی، از جمله حوزه کلام و نحو منجر شود.

۴-۱- تغییرات ساختی در سطح کلام یا گفتمان

همان‌طور که در مدل سلسله‌مراتب فرض‌گیری و پیشرفت همگرایی استولز و استولز (۱۹۹۶) دیده می‌شود، شروع روند فرض‌گیری با انتقال نقش‌نماهای کلامی به زبان دیگر اتفاق می‌افتد. نقش‌نماهای کلامی (البته، خوب، اصلاً، ولی و...)، حد فاصل بین واژه‌های محتوایی (اسم و صفت) و واژه‌های دستوری (حرف اضافه و حرف ربط) قرار دارند و این ویژگی زبانی، به‌سادگی راه‌یابی آن‌ها از زبانی به زبان دیگر کمک می‌کند. نقش‌نماهای کلامی، رابطه بین بخشی که نقش‌نمای کلامی معرف آن است، با پاره‌گفتار بعدی را نشان می‌دهند و به پیوستگی و انسجام در گفتمان کمک می‌کنند. نقش‌نماهای کلامی برای نشان‌دادن توجه شنونده و درگیری او در گفتار به‌کار می‌رود؛ یعنی شنونده با بیان نقش‌نما، توجه خود را نشان می‌دهد (متی^۱، ۲۰۱۰). نقش‌نماهای کلامی نقش‌های مختلفی مانند شروع کننده گفتمان،

پرکننده مکث، ادامه دهنده گفتمان، نشان‌دادن پذیرش و درک موضوع، تأیید گرفتن، جلب توجه مخاطب، تأکید کردن بر موضوع و... را در یک گفتمان برعهده دارند. نقش‌نماهای کلامی فارسی زیادی (اصلاً، البته، حتی، واقعاً، بالاخره، اما، یعنی، ولی و کلاً) در میان داده‌ها یافت شد که به زبان ترکی آذربایجانی وارد شده است. همه گویشوران ترکی آذربایجانی (تک‌زبان‌های ترکی آذربایجانی و دوزبان‌های ترکی آذربایجانی - فارسی) پژوهش حاضر، از نقش‌نماهای کلامی فارسی (با فراوانی ۳۹۷) در پاره‌گفتارهای خود استفاده کرده‌اند، برای مثال:

1) a. **aslan** o l**öz**im dayi b**ir**o jala.

بیاید اینجا نیست لازم او اصلاً

b. o l**öz**im dayi **aslan** b**ir**o jala.

c. o l**öz**im dayi b**ir**o jala **aslan**..

(۱) اصلاً لازم نیست او اینجا بیاید

نقش‌نمای اصلاً در جمله (۱)، نقش عاطفی و احساسی دارد و نشان دهنده تأکید بر موضوع بحث است. نقش‌نماهای کلامی عناصر اختیاری هستند و در ساخت نحوی جمله وارد نمی‌شوند؛ به طوری که می‌توان آن‌ها را بدون آن که به ساخت نحوی جمله خدشه‌ای وارد کنند، از جمله حذف کرد. این نقش‌نماها از نظر معنایی نیز، چیزی به محتوای پاره‌گفتار اضافه نمی‌کنند؛ تنها نقش آن‌ها ایجاد انسجام در گفتمان است.

۴-۲- تغییرات ساختی در سطح جمله (جمله‌های مرگب)

افزون بر نقش‌نماهای زبان فارسی، حروف ربط فارسی زیادی نیز به زبان ترکی آذربایجانی وارد شده است. از نظر فریزر^۱ (۱۹۹۹) حروف ربط مقوله‌های نحوی هستند که دو گزاره را به یکدیگر ربط می‌دهند، درحالی که نقش‌نماهای کلامی مقوله‌های کاربرد شناختی هستند که به پیوستگی و انسجام در گفتمان کمک می‌کنند. گویشوران ترکی آذربایجانی، هر دو نوع حروف ربط هم‌پایه (و، اما و...) و وابسته (اگر، چون، که و...) زبان فارسی را به کار می‌برند که تأثیرگذاری حروف ربط وابسته فارسی بر نحو ترکی آذربایجانی بارزتر است (حیدری، ۱۳۹۷: ۱۲۳). کامری^۲ (۱۹۸۱) به آن دست از حروف ربط زبان فارسی اشاره دارد که از قرن سیزدهم میلادی به بعد، به زبان‌های ترکی انتقال یافته است. یا کتاب‌های دستور زبان ترکی متعددی آندرهیل^۳ (۱۹۷۹: ۴۳۸) و فرزانه (۱۳۵۷: ۱۱۸) از حروف ربط

1. B. Fraser
2. B. Comrie
3. R. Underhill

زیادی (و، یا، اما، که، چون، چون که، زمانی که، هرچند و...) نام می‌برند که ترک‌زبانان در طول سالیان متمادی از زبان فارسی قرض گرفته‌اند و هنوز هم به کار می‌برند. به هر حال، هر دو نوع حروف ربط هم‌پایه (و، اما و...) و وابسته (اگر، چون، که و...) فارسی در زبان‌های ترکی، به کار گرفته می‌شوند؛ اما به دلیل تأثیرپذیری نحو ترکی آذربایجانی از زبان فارسی در ترکیب بندهای جملات مرکب ناهم‌پایه‌ای، در ادامه کاربرد حروف ربط وابسته فارسی در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی بررسی می‌شود (جملات ۲ تا ۱۰). فراوانی جملات مرکب گردآوری‌شده براساس الگوهای زبان فارسی و ترکی آذربایجانی در جدول (۱)، نشان داده شده است.

جملات مرکب ناهم‌پایه‌ای از یک بند اصلی و یک بند وابسته تشکیل می‌شود. بند اصلی بدون حرف ربط و بند وابسته با یکی از حروف ربط وابسته آشکار یا پنهان در جایگاه آغازی دیده می‌شود. جملات مرکب ناهم‌پایه‌ای به سه دسته (با بند متممی، وصفی و قیدی) تقسیم می‌شوند (مشکوٰة‌الدینی، ۱۳۹۴: ۲۵۶). ارائه نمونه‌هایی از داده‌ها، در چارچوب تقسیم‌بندی حروف ربط زبان فارسی مشکوٰة‌الدینی (۱۳۹۴: ۲۶۲-۲۵۶) انجام می‌گیرد؛ زیرا گویشوران ترکی آذربایجانی، حروف ربط فارسی را مانند فارسی زبانان برای پیوند سازه‌ها، به‌ویژه بندهای جملات مرکب به کار می‌برند.

۴-۲-۱- جمله مرکب ناهم‌پایه‌ای با بند متمم

در جمله‌های مرکب ناهم‌پایه‌ای مانند جمله (۲)، بند وابسته، بند متمم فعل است. در نتیجه کاربرد آن پس از فعل، اجباری است و حرف ربط که در آغاز بند متمم ممکن است پنهان باشد. بند متمم، مشخصه نحوی دسته خاصی از افعال واژگانی مانند *demax* (گفتن)، *istamax* (خواستن)، *bilmax* (دانستن) و... است که به مفاهیم دستوری، بیانی یا اداری دلالت دارند.

2) *giz-lor bil-ir-di (ki) xonim müallim jej jal-ajax.*

خواهد آمد دیر معلم خانم (که) می‌دانستند دخترها

(۲) دخترها می‌دانستند (که) خانم معلم دیر خواهد آمد.

بند متممی ترکی آذربایجانی از نوع چپ‌انشعابی است؛ در این زبان، بند متممی به‌مثابه بند وابسته‌ای، به‌طور معمول پیش از بند مستقل قرار می‌گیرد (مثال ۳)؛ اما وام‌گیری حرف ربط که فارسی، باعث شده است تا گویشوران ترکی آذربایجانی بند متممی راست‌انشعابی (الگوی زبان فارسی) را در زبان خود به کار برند (مثال ۲).

3) *xonim müallim-in jej jal-ma-yin giz-lor bil-ir-di-lar.*

می‌دانستند دخترها ملکی-آمدن دیر ملکی-معلم خانم

۳) دخترها می‌دانستند (که) خانم معلم دیر خواهد آمد.

۴-۲-۲- جمله مرکب ناهم‌پایه‌ای با بند موصولی

در این نوع جملات، بند وابسته موصولی (که بند وصفی نیز گفته می‌شود و بندی اختیاری است) با حرف ربط که به دنبال هسته گروه اسمی (اسم) به کار می‌رود.

4) *ngpj-lor ki jez julla-di-lar soyux vir-mo-di.*

نزد سرما شکوفه دادند دیر که درختان

۴) درختانی که دیر شکوفه دادند سرمازده نشدند.

عناصر وابسته در ترکی آذربایجانی اغلب پیش از هسته گروه نحوی می‌آیند، بنابراین بند موصولی

ترکی آذربایجانی به مثابه یک بند وابسته، پیش از هسته اسمی می‌آید (مثال ۵).

5) *jez julli-yan ngpj-lor-i soyux vir-mo-di.*

نزد سرما درختان شکوفه داده دیر

۵) درختانی که دیر شکوفه دادند سرمازده نشدند.

در جمله (۵)، بند موصولی پیش از هسته اسمی قرار گرفته است (الگوی ترکی آذربایجانی)، اما

همان‌طور که در مثال (۴)، مشاهده می‌شود، وام‌گیری حرف ربط که فارسی موجب شده است بند

موصولی در ترکی آذربایجانی پس از هسته اسمی (الگوی زبان فارسی) به کار گرفته شود.

۴-۲-۳- جمله مرکب ناهم‌پایه‌ای با بند قیدی

در جمله‌های مرکب (۶) و (۷)، بند وابسته رابطه دستوری قید را دارد؛ بند قیدی الزاماً با یکی از حروف

ربط قیدی به کار می‌رود که عبارت‌اند از: زمانی که، اگر، چون، چون که، هرچند، درحالی که، مگر اینکه

و... . بند قیدی برحسب حرف ربط حاضر در آن به یکی از مفاهیم علت، زمان، شرط، هدف، تقابل،

استثنا و... اشاره می‌کند.

6) *o zaman ki san-i bir-do jor-dim soyün-dim.*

خوشحال شدم دیدم در-اینجا را-تو که زمان آن

۶) زمانی که تو را اینجا دیدم خوشحال شدم.

7) *ajar pil-i vor-di ba niya san-a ver-mir.*

نمی‌دهد به-تو چرا پس دارد مالکیت-پول اگر

۷) اگر پول دارد پس چرا به تو نمی‌دهد.

ترکیب بندهای جمله مرکب ترکی آذربایجانی در بیشتر موارد بدون نشانه‌های ربطی و با آهنگ

ادامی شود یا با مکث انجام می‌گیرد. پیوند بندهای وابسته قیدی و بندهای مستقل در جمله‌های مرکب

ناهم‌پایه ترکی آذربایجانی، هم با الحاق نشانه‌های ربطی *da*- (هنگامی که)، *sv*- (اگر)، و... به فعل بند وابسته (مثال‌های ۸ و ۹)، و هم با افزودن حروف ربط قیدی *deyin* (برای این که)، *jorv* (به‌خاطر) و... به‌مثابه تکواژ مستقل پس از بند وابسته (مثال ۱۰)، امکان‌پذیر است.

8) san-i bir-dö jor-an-da söyün-dim.

خوشحال شدم به‌هنگام-دیدن در-اینجا را-تو

۸) زمانی که تو را اینجا دیدم خوشحال شدم.

9) pıl-i var-sö ba niya san-a ver-mir.

نمی‌دهد به-تو چرا پس اگر-داشتن مالکیت-پول

۹) اگر پول دارد پس چرا به تو نمی‌دهد.

10) san-i öpör-mö-sin deyin jeñ jal-di.

آمد دیر برای اینکه نبرد را-تو

۱۰) برای اینکه تو را نبرد دیر آمد.

بنابراین نشانه‌های ربطی در ترکی آذربایجانی، یا به آخر فعل بند وابسته قیدی ملحق می‌شوند (ساخت پیوندی) یا به صورت تکواژ مستقل در پایان آن بند قرار می‌گیرند (ساخت تحلیلی). در هر دو حالت، بند وابسته قیدی بیشتر دارای فعل ناخودایستا^۱ است، درحالی که حروف ربط در زبان فارسی همیشه به صورت تکواژ مستقل در آغاز بند وابسته قیدی با فعل خودایستا ظاهر می‌شوند (ساخت تحلیلی).

۴-۲-۴- جمله‌های سببی مرکب

موراوزچیک^۲ (۱۹۷۵) بر این باور است که فعل با مقوله اصلی وارد زبان وام‌گیرنده نمی‌شود؛ بلکه فعل به‌مثابه مقوله غیر فعلی همچون اسم به زبان دیگر وارد می‌شود و پس از انجام فرایند فعل‌سازی در نظام فعلی آن زبان قرار می‌گیرد. ولگموت^۳ (۲۰۰۹)، ساخت فعل سبک یا همکرد را یکی از راه‌های انطباق فعل در زبان فرض‌گیرنده، شناسایی و تبیین کرده است. فعل قرضی به‌مثابه جزء غیر فعلی با فعل سبک زبان وام‌گیرنده ترکیب می‌شوند و فعل مرکب را می‌سازند. فعل سبک بومی در این ترکیب، وظیفه نمایش مشخصه‌های دستوری همچون زمان، نمود، شمار و... را عهده‌دار می‌شود. فعل‌های مرکب فراوانی مانند شوت‌کردن، ویراژ‌دادن، استارت‌زدن و... در زبان فارسی با همین ساخت فعل سبک قرض

۱- افعالی که صرف نمی‌شوند و اطلاعاتی همچون زمان، شخص و شمار ندارند (infinite verb).

گرفته شده‌اند. شورت و استارت در زبان انگلیسی فعل ساده و خودایستا هستند، درحالی که در ساخت فعل سبک زبان فارسی، به‌مثابه جزء غیر فعلی قرضی ایفای نقش می‌کنند. ترکی آذربایجانی نیز افعال را با الگوبرداری از همین ساخت فعل سبک زبان فارسی، قرض‌گیری کرده است. گویشوران ترکی آذربایجانی جزء غیر فعلی فارسی را با فعل سبک زبان خود مانند *elamax* (کردن)، *olmox* (شدن) و... به‌کار می‌برند؛ برای مثال؛ *ijpza vermax* (اجازه‌دادن). در میان انبوهی از فعل‌های مرکب زبان ترکی آذربایجانی با جزء غیر فعلی فارسی، افعال مرکبی همچون *bvııs olmox* (باعث‌شدن)، *ijpza vermax* (اجازه‌دادن)، *majbur elamax* (مجبورکردن) و... وجود دارند که شکل‌گیری جمله‌های سببی مرکب را در زبان ترکی آذربایجانی (مثال ۱۱ و ۱۲) با الگوبرداری از ساخت سببی مرکب زبان فارسی ممکن می‌سازند.

11) o **bvııs** ol-dı (ki) biz utuz-ax.

ببازیم ما (که) شد باعث او

۱۱) او باعث شد (که) ما ببازیم.

12) müdir **ijpza** ver-ma-di (ki) uşug-lar jed-a-lar.

مدیر اجازه نداد (که) بچه‌ها بروند

۱۲) مدیر اجازه نداد (که) بچه‌ها بروند.

در این نوع جمله سببی (مثال ۱۱)، فعل سببی شده در بند متمم فعل مرکب باعث‌شدن قرار می‌گیرد و ترک‌زبانان این شیوه سببی‌سازی را از زبان فارسی قرض گرفته‌اند؛ درحالی که سببی ساخت‌واژی رایج‌ترین ساخت سببی در ترکی آذربایجانی است (نبی‌فر، ۱۳۹۳). فعل سببی در این ساخت، یک تکواژ (*dür*) به‌مثابه پسوند بیشتر از جفت غیرسببی دارد.

(کشتن) $\text{öl-dür-max} = \text{öl-max} + \text{dür}$ (سببی‌ساز) + (مردن) öl-max

۴-۳- تغییرات ساختی در سطح گروه‌ها

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که از میان پنج گروه زبان فارسی (گروه‌های فعلی، اسمی، حرف اضافه‌ای، صفتی و قیدی)، دو گروه اسمی و حرف اضافه‌ای زبان فارسی تفاوت عمده‌ای با آرایش نحوی گروه‌های اسمی و حرف اضافه‌ای زبان ترکی آذربایجانی دارند. سه سازه فاعل (s)، مفعول (o) و فعل (v) جمله‌های خبری که به‌لحاظ صوری و معنایی بی‌نشان هستند، معیار اساسی رده‌شناسی آرایش جمله را تشکیل می‌دهند (گرین‌برگ، ۱۹۶۶). ترتیب واژه‌ها در جمله بی‌نشان خبری ترکی آذربایجانی *sov*

است (لی، ۱۹۹۶: ۹۵). اعمال قاعده قلب نحوی در هر دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی باعث می‌شود که هرکدام از سازه‌های s (فاعل)، o (مفعول) و v (فعل) به راحتی در جمله جابه‌جا شوند؛ یعنی فاعل و مفعول می‌توانند پیش و پس از فعل جمله قرار گیرند؛ در نتیجه آرایش نحوی سازه‌ها در جمله‌های ساده ترکی آذربایجانی با فرض‌گیری فعل از زبان فارسی، تغییر نمی‌کند؛ البته همان‌طور که پیش‌تر بحث شد، گویشوران ترکی آذربایجانی با فرض‌گیری جزء غیر فعلی فارسی و ترکیب آن با فعل سبک بومی، افعال مرکبی همچون *bəyis olmaq* (باعث‌شدن)، *ijpza vermax* (اجازه‌دادن)، و... را به زبان خود وارد می‌کنند که به فرض‌گیری الگوی ساخت سببی مرکب فارسی (ساخت تحلیلی) در این زبان منجر شده است.

در ترکی آذربایجانی نیز مانند زبان فارسی، قید مقدار به‌مثابه وابسته پیشین در گروه صفتی و قیدی عمل می‌کند؛ برای مثال در گروه صفتی *çox yaxşı* (خیلی خوب)، قید مقدار *çox* (خیلی) مانند الگوی زبان فارسی پیش از صفت *yaxşı* (خوب) به کار رفته است، بنابراین آرایش سازه‌ها در گروه صفتی و قیدی هر دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی تفاوت چندانی ندارد و فرض‌گیری سازه‌های این گروه‌ها، تغییرات عمده‌ای در ساخت زبان ترکی آذربایجانی به وجود نمی‌آورد.

۴-۳-۱- گروه اسمی

اسم از لحاظ ساخت‌واژی با نشانه‌های صرفی خاص به کار می‌رود و از جنبه نحوی نیز با چند واژه به هم مرتبط، گروهی با عنوان گروه اسمی تشکیل می‌دهد. در رویکرد سنتی، یک اسم در گروه اسمی نقش هسته گروه را ایفا می‌کند و عناصر دیگر، وابسته‌های آن به‌شمار می‌آیند (مشکوة‌الدینی، ۱۳۹۴: ۴۰).

گروه اسمی و وابسته‌های آن از دیرباز در دستور زایشی نیز مورد توجه بوده است و در طرح اولیه نظریه ایکس تیره چامسکی^۱ (۱۹۷۰) جایگاه مشخص‌گر گروه اسمی به تعیین‌کننده‌ها (حروف تعریف، کمی‌نماها و صفت‌های ملکی) تعلق داشت؛ اما ابنی^۲ (۱۹۸۷) با ارائه شواهد نظری و تجربی فراوان ثابت کرد که گروه اسمی خود درون گروه نقشی دیگری به نام گروه حرف تعریف^۳ قرار دارد؛ به عبارت دیگر، گروه حرف تعریف، فرافکن بزرگ‌تر و دربردارنده گروه اسمی است. یافته‌های صحرائی (۱۳۸۹) و مدرسی و ذوقی (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که گروه حرف تعریف، توصیف دقیق‌تری از روابط هسته و

1. N. Chomsky
2. S. P. Abney
3. DP

وابسته ارائه می‌دهد و این الگو در تحلیل دستوری صورت‌گرا در زبان فارسی برتری دارد؛ بنابراین با این نگاه، رویکرد سنتی به گروه اسمی مورد تعدیل جدی قرار گرفت و گروه اسمی خود تنها یکی از سازه‌های گروه حرف تعریف، گروه کمی نما^۱، گروه اضافه^۲ و گروه مالکیت^۳ قلمداد شد.

ترتیب سازه‌ها در گروه‌های حرف تعریف و کمی‌نمای هر دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی یکسان است. حروف تعریف و کمی‌نمای ترکی آذربایجانی مانند حروف تعریف فارسی (این، آن، همین، همان و...) یا کمی‌نمای فارسی (کمی، مقداری، برخی و...) پیش از اسم به‌کار برده می‌شوند، مانند:

bu ev	bu su
این خانه = خانه این	کمی آب = آب کمی

آرایش نحوی سازه‌ها در گروه‌های اضافه و مالکیت زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی از یکدیگر متفاوت است. در زبان فارسی، نخست مضاف و به‌دنبال آن مضاف‌الیه می‌آید؛ ولی در ترکی آذربایجانی ترتیب همین سازه‌ها، برعکس می‌شود؛ مانند: کتاب احمد = احمدین کیتابی (ahmad-in kitob-i). بررسی داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ۱۶۳ گروه اضافه و گروه مالکیت فارسی؛ مانند: *ku ye* (کوی فرهنگیان)، *mejdən e imom* (میدان امام)، *tolər e veloyat* (تالار ولایت)، *bulvar e amin* (بلوار امین) و نام ادارات، خیابان‌ها و... در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی (تک‌زبان‌ها و دوزبان‌ها) نمود آوایی یافته است.

۴-۳-۲- گروه حرف اضافه‌ای

زبان ترکی آذربایجانی زبان پیوندی محسوب می‌شود (احمدی گیوی، ۱۳۸۳: ۶). به گفته لی (۱۹۹۶: ۸۱) تعدادی از پس‌اضافه‌ها در زبان ترکی آذربایجانی در هیئت پسوند نمود می‌یابند؛ برای مثال در واژه‌های *ev-dan* (از خانه)، *bazır-də* (در بازار) و... پسوندهای *-dan* و *-də* (به‌مثابه نقش‌نما) به واژه‌ها اضافه شده است تا نقش آن‌ها را نشان دهد. درحالی که زبان فارسی در زمره زبان‌های تحلیلی و پیش‌اضافه قرار دارد و اکثر حروف اضافه این زبان در جایگاه اول گروه حرف اضافه به‌کار برده می‌شوند؛ بنابراین، ترتیب سازه‌های گروه حرف اضافه فارسی (پیش‌اضافه‌ها) با ترتیب سازه‌های گروه حرف اضافه ترکی آذربایجانی یکسان نیست.

1. QP
2. EzafP
3. PossP

(۱۱۷) گروه حرف اضافه فارسی مانند: *bu in hame* (با این همه)، *az holv be bad* (از حالا به بعد)، *bu ajala* (باعجله)، *barvy e hefze* (برای حفظ) و... در میان داده‌ها یافت شد که فقط دوزبانه‌های ترکی آذربایجانی - فارسی تحصیل کرده به کار می‌برند و این نوع ترکیبات در گفتار تک‌زبانه‌های ترکی آذربایجانی و دوزبانه‌های عادی نمود آوایی نیافته بود.

عدم توازن در کاربرد سازه‌های زبان غالب در میان طیفی از سخنگویان زبان پذیرا (تک‌زبانه‌ها و دوزبانه‌ها)، به بحث پیرامون تمایز فرض‌گیری واژگانی از رمزگردانی زبانی منجر شده است. رمزگردانی زبانی به استفاده متناوب از دو یا چند زبان در یک جمله یا پاره‌گفتار دلالت دارد (وان‌دولم^۱، ۲۰۰۷: ۱)؛ برای مثال: فرد دوزبانۀ فارسی - ترکی آذربایجانی در جمله *mahi-lær rudxanæ-dæ üz-iür -dü-lær* (ماهی‌ها در رودخانه شنا می‌کردند)، واژه‌های فارسی (ماهی و رودخانه) را به صورت عناصر رمزگردانی شده، در درون جمله ترکی آذربایجانی به کار برده است.

از نظر میرزاسکاتن (۱۹۹۳) به طور معمول یک واژه در زبان فرض‌گیرنده، ابتدا در گفتار دوزبانه‌ها ظاهر می‌شود که از آن به‌مثابه واژه رمزگردانی شده یاد می‌شود؛ سپس به تدریج همین واژه با کسب بسامد بالا، به گفتار یک‌زبانه‌ها نیز راه می‌یابد و به واژه قرضی تبدیل می‌شود؛ بنابراین ریشه قرض‌گیری در بیشتر موارد به رمزگردانی زبانی برمی‌گردد. سربدهار^۲ (۱۹۸۰) اظهار می‌کند که تمامی گویشوران جامعه زبانی (دوزبانه‌ها و یک‌زبانه‌ها)، عناصر قرضی را به کار می‌برند در صورتی که عناصر رمزگردانی شده، فقط در گفتار دوزبانه‌ها ظاهر می‌شود. پاپلاک (۱۹۸۰) و میرزاسکاتن (۲۰۰۲) بسامد نسبی و بسامد کامل سازه‌ها را در زبان پذیرا، معتبرترین معیار تمایز عناصر قرضی از عناصر رمزگردانی شده می‌دانند. آن‌ها معتقدند که بسامد کاربرد عناصر قرضی در زبان پذیرنده بالاست؛ اما بسامد عناصر رمزگردانی شده کما بیش پایین است. عناصر رمزگردانی شده و قرضی در طول پیوستاری قرار دارند که ممکن است با گذشت زمان در یک جامعه زبانی، عناصر رمزگردانی شده به تدریج به عناصر قرضی تبدیل شوند.

۴-۴- تغییرات ساختی در سطح کلمه

در میان داده‌های پژوهش حاضر، (۲۶) صفت ساده بومی ترکی آذربایجانی یافت شد که با پسوند -تر فارسی ترکیب شده بودند؛ مانند *cox-tar* (زیادتر)، *tez-tar* (زودتر)، *yeka-tar* (بزرگ‌تر) و... این

سازها (صفت ساده ترکی آذربایجانی + پسوند -تر فارسی) فقط در گفتار دوزبانه‌های ترکی آذربایجانی - فارسی تحصیل کرده مشاهده شد. غیر از پسوند -تر (پسوند صفت تفضیلی فارسی)، وند (پسوند یا پیشوند) دیگری از زبان فارسی یافت نشد که با واژه‌های بومی ترکی آذربایجانی ترکیب شده باشد. در زبان ترکی آذربایجانی امروزی صفت در مفهوم تفضیلی، بدون دریافت پسوندی در همان شکل ساده خود ظاهر می‌شود و فقط از بافت جمله یعنی مقایسه فردی با فرد دیگر یا چیزی با چیزی دیگر، می‌توان متوجه مفهوم صفت تفضیلی شد مانند:

13) reza ali-dan yeka-di

است بزرگ از علی رضا

(۱۳) رضا از علی بزرگ تر است

۵- بحث و نتیجه گیری

با توجه به معیارهای تمایز رمزگردانی از قرض‌گیری (سریده‌ها، ۱۹۸۰؛ پاپلاک، ۱۹۸۰؛ میرزاسکاتن ۲۰۰۲ و شواهد تاریخی و مکتوب) بیشتر منابع معتبر نظیر کامری، ۱۹۸۱؛ آندرهیل، ۱۹۷۹: ۴۳۸؛ فرزانه، ۱۳۵۷: ۱۱۸)، می‌توان گفت که نقش‌نماهای کلامی و حروف ربط فارسی به‌مثابه عناصر قرضی به ترکی آذربایجانی راه یافته است. از آنجا که نقش‌نماهای کلامی عناصر نحوی نیستند؛ در ساخت و نظام زبان قرض‌گیرنده خدشه‌ای وارد نمی‌کنند و نقش آن‌ها فقط انسجام‌بخشی به گفتمان است. بررسی داده‌ها در انطباق با جدول (۱)، نشان می‌دهد که گویشوران ترکی آذربایجانی با قرض‌گیری حروف ربط وابسته زبان فارسی از الگوهای نحوی جملات مرکب زبان فارسی در پاره‌گفتارهای خود استفاده می‌کنند.

جدول (۱). فراوانی انواع جملات مرکب براساس الگوهای زبان فارسی و ترکی آذربایجانی

جمع	الگوی زبانی		فراوانی و درصد	نوع جمله مرکب
	زبان ترکی آذربایجانی	زبان فارسی		
۴۷	۲۷	۲۰	فراوانی	با بند قیدی
٪۱۰۰	٪۵۷/۴۴	٪۴۲/۵۵	درصد	
۲۸	۱۰	۱۸	فراوانی	مرکب سببی
٪۱۰۰	٪۳۵/۷۱	٪۶۴/۲۸	درصد	
۲۵	۱۳	۱۲	فراوانی	با بند موصولی
٪۱۰۰	٪۵۲	٪۴۸	درصد	
۱۱	۳	۹	فراوانی	با بند متممی
٪۱۰۰	٪۲۷/۲۷	٪۸۱/۸۱	درصد	

در جدول (۱)، فراوانی و انواع جملات مرکب گردآوری‌شده به‌روش میدانی، براساس الگوهای زبان فارسی و ترکی آذربایجانی نشان شده است.

گوشوران ترکی آذربایجانی ساخت‌های نحوی زبان فارسی را جایگزین ساخت بومی نمی‌کنند؛ بلکه با فرض‌گیری حروف ربط وابسته فارسی به تنوع کاربرد ساخت‌های نحوی و غنای زبانی خود وسعت داده‌اند. الگوهای نحوی جملات مرکب ناهم‌پایه زبان فارسی یا ترکی آذربایجانی با توجه به ساخت اطلاع جمله، در بافت‌های مختلفی به‌کار می‌روند. همان‌طور که در یافته‌های مطالعات پیشین مانند محمودی (۱۳۹۳) و حیدری (۱۳۹۷) اشاره شد، ساخت‌های نحوی یکی از ابزارهای مهم برای مشخص کردن تأکید روی عنصر یا عنصری از جمله است و جابه‌جایی سازه‌ها می‌تواند ساخت اطلاعی جمله را دگرگون سازد. عناصر وابسته در زبان ترکی آذربایجانی پیش از عناصر مستقل می‌آیند؛ بنابراین اگر تأکید جمله روی عناصر وابسته جمله مرکب باشد، گوشوران ترکی آذربایجانی، بند موصولی پیش‌هسته‌ای، نشانه‌های ربطی پس از بند وابسته و بند متممی چپ انشعابی را به‌کار می‌برند؛ اما اگر کانون توجه روی هسته بند موصولی، حروف ربط قیدی و سازه‌های بند غیر متممی جمله مرکب باشد، سخنگویان ترکی آذربایجانی با وام‌گیری حروف ربط زبان فارسی از ساخت‌های نحوی زبان فارسی استفاده می‌کنند.

جدول (۲). فراوانی انواع مختلف سازه‌های زبان فارسی در گفتار گوشوران

جمع	نوع گوشور			فراوانی / درصد	نوع سازه
	دوزبانه تحصیل کرده	دوزبانه عادی	تک‌زبانه		
۳۹۷	۱۳۹	۱۴۳	۱۱۵	فراوانی	نقش‌نماهای کلامی
%۱۰۰	%۳۵/۰۱	%۳۶/۰۲	%۲۸/۹۶	درصد	
۱۶۳	۷۶	۵۲	۳۵	فراوانی	گروه اضافه و مالکیت
%۱۰۰	%۴۶/۶۲	%۳۱/۹۰	%۲۱/۴۷	درصد	
۱۱۷	۱۱۷	۰	۰	فراوانی	گروه حرف اضافه
%۱۰۰	%۱۰۰	%۰	%۰	درصد	
۲۶	۲۶	۰	۰	فراوانی	پسوندها
%۱۰۰	%۱۰۰	%۰	%۰	درصد	

در جدول (۲)، فراوانی نقش‌نماهای کلامی، انواع گروه‌های زبان فارسی و پسوند -تر آن زبان در گفتار گوشوران تک‌زبانه ترکی آذربایجانی و دوزبانه ترکی آذربایجانی - فارسی ارائه شده است.

جدول (۲)، نشان می‌دهد که گروه‌های اضافه و ملکی فارسی فراوانی هم در گفتار یک‌زبانه‌های

ترکی آذربایجانی و هم در گفتار دوزبانه‌های ترکی آذربایجانی - فارسی نمود آوایی داشته است؛ درحالی که گروه حرف اضافه فارسی فقط در گفتار دوزبانه‌های ترکی آذربایجانی - فارسی تحصیل کرده مشاهده می‌شود؛ همچنین این دوزبانه‌ها پسوند -تر فارسی را با صفت‌های بومی ترکی آذربایجانی استفاده کرده‌اند؛ بنابراین، براساس معیارهای تمایز رمزگردانی از قرص‌گیری (سریده‌ها، ۱۹۸۰؛ پاپلاک، ۱۹۸۰؛ میرزاسکاتن ۲۰۰) می‌توان نتیجه گرفت که گروه‌های اضافه و ملکی فارسی به‌صورت ترکیب‌های قرضی در ترکی آذربایجانی به‌کار برده می‌شوند. در صورتی که گروه‌های حرف اضافه فارسی و پسوند -تر آن زبان، هنوز به‌مثابه ترکیب‌ها یا عناصر رمزگردانی شده در گفتار دوزبانه‌ها نقش آفرینی می‌کنند و ممکن است با گذشت زمان به ترکیب‌ها یا سازه‌های قرضی در نظام زبان ترکی آذربایجانی تبدیل شوند. توماسون و کافمن (۱۹۸۸) معتقدند که قرص‌گیری واژگانی اغلب بدون دوزبانگی گسترده در جامعه زبانی رخ می‌دهد؛ درحالی که برای قرص‌گیری دستوری به دوزبانگی گسترده سه نسل در زبان میزبان و در بازه زمانی قابل توجه، نیاز است.

هرچند ساخت‌های اضافه فارسی به‌صورت ترکیب‌های قرضی در ترکی آذربایجانی استفاده می‌شوند، اما هنوز ساخت اضافه فارسی به‌صورت یک الگوی قرضی به ترکی آذربایجانی وارد نشده است و سخنگویان ترکی آذربایجانی از این الگو (ساخت اضافه) برای ترکیب عناصر زبان خود استفاده نمی‌کنند. حتی در بین ساخت‌های اضافه قرضی گردآوری‌شده پژوهش حاضر، ساخت‌هایی مشاهده شد که اگرچه سازه‌های تشکیل دهنده آن‌ها از زبان فارسی بود (واژه‌های قرضی) اما با الگوی ساخت اضافه ترکی آذربایجانی تولید شده بودند؛ مانند *velbyat tobr-i* (تالار ولایت)، *imom meydøn-i* (میدان امام)، *vzpd dmiŋvñh-i* (دانشگاه آزاد)، و...

ماتراس (۲۰۰۹) معتقد است که از میان گروه‌های اسمی، گروه اضافه (ساخت اضافه و ملکی) اولین گروهی است که در مقابل پیشرفت همگرایی متزلزل می‌شود؛ زیرا پیوند عناصر درونی آن نسبت به سازه‌های دیگر درون گروه اسمی شکننده است؛ اما بررسی داده‌ها نشان داد که تاکنون ساخت درونی گروه اضافه و ملکی ترکی آذربایجانی در تماس با زبان فارسی حفظ شده است. هرچند زبان ترکی آذربایجانی الگوی پیوند بندهای اصلی و وابسته جملات مرکب زبان فارسی را پذیرفته است؛ اما ساخت اضافه و ملکی این زبان در برخورد با زبان فارسی به‌هم نخورده است. ترکی آذربایجانی هنوز ساخت‌واژه پیوندی خود را که مشخصه برجسته زبان‌های ترکی است، حفظ کرده است. این زبان هنوز ویژگی پس‌اضافه‌ای را که میراث زبان‌های ترکی است، از دست نداده است.

یافته‌های نوشتار پیش رو نشان می‌دهد که سلسله‌مراتب فرض‌گیری ساختی ترکی آذربایجانی از زبان فارسی در انطباق با شواهدی است که ماتراس (۲۰۰۹) در زبان‌هایی همچون ترکی بالکانی، رومانی و... مطرح کرده است. در همه این زبان‌ها به دلیل پدیده برخورد زبانی، همگرایی با زبان غالب از سطح پیوند بندهای جملات مرکب شروع شده است و در سطوح پایین‌تر ادامه دارد. ارزیابی نتایج پژوهش در چارچوب سلسله‌مراتب تغییرات حاصل از تماس زبانی و پیشرفت همگرایی استولز و استولز و استولز (۱۹۹۶) بیان‌گر آن است که تأثیر عمده زبان فارسی بر نظام زبان ترکی آذربایجانی، در سطح پیوند بندهای جملات مرکب بوده است. الگوی ترکیب بندهای جملات مرکب ناهم‌پایه زبان فارسی در ترکی آذربایجانی تثبیت شده است؛ اما وام‌گیری الگویی تاکنون در سطوح دیگر ساخت زبان ترکی آذربایجانی، از جمله ساخت گروه‌ها و ساخت کلمه اتفاق نیافته است؛ بنابراین تغییرات ساختی در زبان ترکی آذربایجانی در راستای هم‌سوایی با زبان فارسی صورت پذیرفته است که از پیامدهای طبیعی برخورد و تماس زبان‌ها است.

منابع

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۳). دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی. تهران: قطره.
- اختری، عارفه (۱۳۹۶). بررسی نقش‌نماهای کلامی فارسی در مکالمات دوزبانه‌های ترکی - فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، اردبیل: دانشگاه پیام نور.
- حیدری، عبدالحسین (۱۳۹۷). تأثیر تماس زبانی بر کاربرد حروف ربط فارسی در ترکی آذربایجانی. پژوهش‌های زبانی، ۹ (۲)، ۱۰۹-۱۲۸.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. جلد ۱، چاپ اول. تهران: سمت.
- صحرائی، رضا (۱۳۸۹). گروه حرف تعریف در زبان فارسی. فصلنامه زبان و ادب فارسی، ۴۵، ۱۲۹-۱۵۷.
- فرزانه، محمدعلی (۱۳۵۷). مبانی دستور زبان ترکی آذربایجانی. تهران: فرزانه.
- محمودی، سولماز (۱۳۹۳). زبان ترکی آذربایجانی در گذر تاریخ. مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، تهران: مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.
- مدرسی، بهرام و نغمه ذوقی (۱۳۹۵). بررسی گروه حرف تعریف در زبان فارسی بر پایه برنامه کمینه‌گرا. دو ماهنامه جستارهای زبانی، ۷ (۲)، ۲۰۷-۲۲۲.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی زبان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۹۴). دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی). ویرایش دوم. تهران: سمت.

- نی‌فر، نسا (۱۳۹۳). بررسی معنایی، نحوی و کاربردشناختی سببی‌های مرکب در ترکی آذربایجانی. *جستارهای زبانی*، ۷ (۲)، ۲۲۳-۲۴۳.
- نغزگوی‌کهن، مهرداد و علی عبدالملکی (۱۳۹۳). وام‌گیری فعلی در زبان‌های فارسی، کردی و ترکی آذربایجانی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۴ (۷)، ۹۷-۱۱۳.
- یاری، سیاوش (۱۳۷۴). *قرض‌گیری واژگانی زبان ترکی آذربایجانی از زبان فارسی و بررسی علل و زمینه‌های آن*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

References

- Abney, S. P. (1987). *The English noun phrase in its essential aspect*. PhD diss., MIT.
- Aikhenvald, A. Y. (2006). Grammars in Contact: A cross-linguistic perspective. In: A. Y. Aikhenvald & R. M. W. Dixon (Eds.), *Grammars in Contact: A Cross-Linguistic Typology*, (pp. 1-66). Oxford: Oxford University Press.
- Chomsky, N. (1970). Remarks On Nominalization. In: R. Jacobs & P. Rosenbaum (Eds.), *Readings In English Transformational grammar*, (pp. 184-221). Mass: Ginn, Waltham.
- Comrie, B. (1981). *The languages of the Soviet Union*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Crystal, D. (2010). *The Cambridge Encyclopedia of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Durkin, Ph. (2014). *Borrowed Words: A History of Loanwords in English*. Great Britain: Oxford University Press.
- Fraser, B. (1999). What are discourse markers. *Journal of Pragmatics*, (31), 931- 952.
- Greenberg, J. H. (1966). Some universals of grammar with particular reference to the Order of meaningful elements. In: J. H. Greenberg (Ed.), *Universals of language*, (pp. 73-113). Cambridge, Mass: MIT Press.
- Haugen, E. (1950). The analysis of linguistic borrowing. *Language*, 26 (2), 210-231.
- Lee, S. N. (1996). *A Grammar of Iranian Azerbaijani*. Doctoral dissertation in Linguistics, Sussex University.
- Matei, M. (2010). Discourse Markers as Functional Elements, *Transilvania University of Brasov, Series IV: Philology and Cultural Studies*, 3 (52), 119-126.
- Matras, Y. (2009). *Language contact*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Moravcsik, E. (1975). Verb Borrowing. *Wiener Linguistische Gazette* 8, 3-30.
- Muysken, P. (1981). Quechua en Spaans in het Andesgebied. [Quechua and Spanish in the Andes.]. *Tijdschrift voor Taalen Tekstwetenschap* 1, 124-138.
- Myers-Scotton, C. (1993). *Dueling languages: Grammatical structure in codeswitching*. Oxford: Oxford University Press.
- (2002). *Contact linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Poplack, S. (1980). Sometimes I'll start a sentence in English termino en español: Toward a typology of code-switching. *Linguistics*, 18, 581- 618.
- , D. Sankoff & C. Miller (1988). The social correlates and linguistic processes of lexical borrowing and assimilation. *Linguistics*, 26 (1), 47-104.

- Romaine, S. (1995). *Bilingualism(second edition)*. Oxford: Blackwell.
- Salmons, J. (1990). Bilingual discourse marking: code switching, borrowing, and convergence in some German-American dialects. *Linguistics*, 28 (3), 453-480.
- Silva-Corval'an, C. (1994). *Language contact and change. Spanish in Los Angeles*. Oxford: Clarendon Press.
- Sridhar, S. K. (1980). The syntax and psycholinguistics of bilingual code-mixing. *Canadian Journal of Psychology*, 34 (4), 407-416.
- Stolz, C. & T. Stolz (1996). Funktionswortentlehnung in Mesoamerika. Spanisch-amerindischer Sprachkontakt Hispanoindiana II. *Sprachtypologie und Universalienforschung*, 49, 86-123.
- Thomason, S. & T. Kaufman (1988). *Language Contact, Creolization, and Genetic Linguistics*. Berkeley: University of California Press.
- Treffers-Daller, J. (2010). Borrowing. In: Fried, M., Östman, J-O. and Verschueren, J. (eds.) Variation and change: pragmatic perspectives. Handbook of pragmatics highlights (6). *John Benjamins, Amsterdam / Philadelphia*, (pp. 17-35). ISBN 9789027289179.
- Underhill, R. (1979). *Turkish grammar*. Cambridge: MIT.
- Van Dulm, O. (2007). *The grammar of English-Afrikaans code switching: A feature checking account*. Utrecht: LOT.
- Wohlgemuth, J. (2009). *A Typology of Verbal Borrowing*. Printed in Germany.





شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی